

در جستجوی تمدنهای نابود شده

کاوشهای تانیس Tanis در دلتای نیل

باستثنای رفت و آمد هائیکه مهاجرین از کنار خرابه های تانیس مینمایند با وجود اهمیت خرابه های این شهر هنوز پی بوجود آن نبرده اند ممکن است از انقضاء که توقفگاه مذنب سویس است از وسط صحرا و نواحی مردابی عبور نموده و بهتر این است که در طول مذنب تا اسماعیلیه رفته و از آنجا بفاقوس Fa Kous که از شهر های مهم کنار دلتا میباشد برسیم و این شهر بعد سر راه تانیس بقاهره واقع شده و مسافرینیکه بخواهند باین محل بروند ناچار بایستی از این شهر بگذرند و از فاقوس به بعد جاده در طول مذنب کشیده شده و در این قسمت از راه مسافرین در نتیجه بی احتیاطی اتومبیل رانها مورد مخاطره هستند بالاخره از قطیر عبور مینمائیم و این محل دهکده ~~دلیریائی است که خرابه های قصر را مسس دوم~~ را در آنجا یافته اند از آن ~~به بعد دهکده~~ کمتر دیده میشود فقط در جانب راست يك تپه شنی مشاهده میشود که اهالی بدوی آنجا دم از دوستی با فرانسه میزنند و شروع این دوستی را از زمان حفر ترعه سویس میدانند بعد کم کم جاده از وسط اراضی مزروع عبور نموده و بالاخره به تل تانیس میرسیم که بکه و تنها در وسط دشت لم یزرعی واقع شده که در هر قسمت آن تخته های وسیع نمک یافت میشود بالاخره راه بدهکده [سان الها کار San el Hagar] می رسیم که بین تل تانیس و مذنب سویس واقع شده است خرابه

های معبد بزرگ تانیس در ۵۰۰ متری جانب راست واقع شده است در اصل بنا کاملاً مخروبه شده يك توده بزرگی از سنگها را تشکیل میدهند کمی آنطرف تر مقدار زیادی ستون و مسله و سرستون از سنگ سماق و مجسمه ها از سنگ دج دیده میشود که نصفشان بیرون از خاک و نصف دیگر آن پوشیده از خس و خاشاک هستند در اوایل قرن اخیر آثاری از بناهای قدیم در سایر جاهای این تل باقی بود که الان از بین رفته است این خرابه دور افتاده متعلق بشهر تاریخی معروفی میباشد عبرانیها این شهر را قدیمتر از هبرون Hebron میدانستند (هبرون شهریست در نزدیکی بیت المقدس) در آنجا بقایای دربی را یافته اند که روی آن نام یکی از سلاطین سلسله ششم حک شده است اما بنظر میآید که اهمیت آن در زمان سلسله سلاطین وسطی شروع بشود سلاطین سلسله ۱۲ و ۱۳ و ۲۰ در ۱۲۷۰ قبل از میلاد مجسمه ها و ابوالهولهای بسیار ساخته بطوریکه در کل معابد این شهر از آنها پیر بود اسم شهر در آنوقت [آواریس Avaris] بوده وقتی که آخرین سلاطین سلسله های وسطی دیگر نتوانستند از خود دفاع کنند اقوام مهاجم که از نژاد پست بودند و بقول (مانتن) (مورخ مصری که در قرن سوم قبل از میلاد میزیسته) انگلیسها در شهر آواریس اقامت نموده این شهر را مستحکم نموده و در آن يك معبد بزرگی برای رب النوع خود ساخته و تمام نفایس امکانه مقدسه قدیم باین معبد جدید انتقال یافت یکی از پادشاهان این سلسله موسوم به Apopis

نام خود را در روی مجسمه ها و معابد جگ نموده و بالاخره پس از دو قرن یکی از شاهزاده شهر تب مؤسس سلسله هجدهم آواریس را گرفت اما فقط رامسس دوم است که این شهر را از صورت خرابش بیرون آورده خواه برای توجه به مملکتی که بقولی اصلا از اهل آنجا بوده و خواه برای اینکه خواسته است در مجاورت آسیا اقامت داشته باشد برای اینکه سپاهیانش با قوم Hittite در جنگ بودند در هر حال رامسس دوم امر بساختن مقبری برای خود در تانیس داد موسوم به Pi - Romses که دبیران آژمان از عجایب آن چیزها نوشته اند محل ادارات دولتی و مرکز قشون در آنجا بود تانیس بهیچوجه از پایتخت دیگر آنوقت مصر که تب بود از سایر شهرهای بزرگ مصر کمتر نبود در این شهر خارجیان بیشماری یافت می شوند مطابق متن توریه

- در مزارع تانیس معجزه های موسی صورت وقوع یافته است عبرانیها که در اصل در اراضی Goshen بین ترعه سویس و شاخه از نیل که در نزدیکی شهر (پلوز Péluse) بدریا میریزد سکنی داشتند در تمام قسمتهای دلتای نیل پراکنده شده و شروع بترقی کردند فرعون وقت متوحش شده به آنها تجمیلات زیادی از قبیل مالیات و بیکاری نموده در آنوقت است که بموجب وحی الهی موسی عبرانیان را از مصر بیرون برد این شهر پایتخت بود تا در زمان سلطنت سلاطین تانیس که وقتی شهر تانیس پایتخت شد این شهر پایتخت نبهد ولی اهمیت آن تا زمان رومیان باقی بود.

بنا بشرح فوق حوادئیکه در شهر تانیس اتفاق افتاده است برای
تاریخ عمومی ملل شرقی قابل استفاده است ولی معهذا در ناحیه تل کمتر
کاوش بعمل آمده است علمائیکه در کمیون مصر عضویت داشتند در
اواخر قرن هیجدهم تشخیص هویت انرا داد و صف انرا نموده اند
بعدها چنده جسمه بدست آمد که انرا به لوور Louvre انتقال دادند
کاوشهائیکه در تحت ریاست ماریت Mariette بعمل آمد از احاط جنبه
علمی وضع دیگری بخود گرفت کشف ابوالهولهاییکه از قرار معلوم و
معروف متعلق بدوره هیکسس ها بوده اند و یکمقدار مجسمه های دیگر
و يك فرمائی که بدوزبان مختلف در روی تخته سنگی در سال ۴۰۰
قبل از میلاد نوشته شده علما و تمام مردم را بشوق انداخت بدبختانه
ماریت در سالهای آخر عمرش نتوانست در تانیس کار کند فقط طرح
عملیاتی که او در نظر داشت باقی مانده است مدتها پس از مرگ او اناری
را که او موفق بکشف ان شده بود بشهر قاهره انتقال داند در سال
۱۸۸۳ کاوش این قسمت دو مرتبه شروع شد ولی پس از دونوبت بازدید
این اقدام را رها کردند از انوقت تا کنون ناحیه تانیس در نوبه فراموشی
مانده بود بعقیده علمای معاصر با ماریت که متخصص در آثار قدیمه
مصر بودند در نواحی آواریس پی را مسس و تانیس را رویهم رفته يك
شهر میدانستند این نظریات را دور انداختند پایتخت هیکسسها و مقر
رامسس شهرهای سیاری بوده اند که علمای آثار عتیقه مصری آنرا از
حدود شهر (هلیو پلیس تا پهلوس) متغیر دانسته اند پس از ملاحظه
دقیق چنین معتقد شده ام که پایتخت درست در تانیس بوده است در نظر داشتم آثار

هیکسها و عبراینها را در آن تفحص نمائیم و بالاخره گاو شهایم را که در
بیلوس نموده موفق باشفت اثار و ابنیه مصریها در شامات شده بودم
نظیرش در اینجا انجام دهم - در سال ۱۹۲۸ این خیال من
عملی شد وزیر معارف مرا برای شناسائی اراضی تامین مامورین ناحیه
نموده امید وار بودیم این عملیات را سال اتیه شروع نمائیم نظریه
سخاوتی در موسسه لوور و دوستان من که اعضای دارالعلم
استراسبورغ بودند (در استراسبورغ مجمعی از دوستداران تانیس
تشکیل شده که فواد پادشاه کنونی مصر رئیس افتخاری آن میباشد)
از خود بروز دادند و نظر بکمک های خصوصی ممکن بود مبلغ
خطیری جمع آوری شود ولی اتیه کاوشها بطور قطع اطمینان بخش
نبود مگر وقتی در مجلس در آوریل ۱۹۲۹ اعتباری را که برای
اینکار خواسته شده بوده تصویب نمود و حکومت مصر هم در ماه
مه امتیاز آنرا داد فصلی که در موقع کار بود گذشته ولی هنوز
تمام نشده بود زیرا در ماه مارس اداره اثار قدیمه مصری اجازه
کاوش داد در ظرف دو هفته با شرکت موسیو بوشه صاحب دکتر از
دارالعلم استراسبورغ نتایجی بدست آوردم اهمیت تاریخی موقع تانیس
را مدلل نمودند امسال هیئتی مرکب از نویسندگان این سطور و
مسیو ژاکمن نقاش از ماه مارس در محل تانیس اقامت اختیار نمودیم
(ربیشون) معمار در ۱۵ آوریل بما ملحق شد.

در ۱۵ مه همگی شروع بکار کردیم دو کار بزرگ
کاوش کنند بایستی بنماید در درون محوطه معبد بزرگ کار شده را
باید از نو کرد، ماریت محور اصلی زمین آنجا ایدرا که بیشتر امید بدست

آوردن مجسمه‌ها بود خاکش را بیرون ریخته و بدن عمارت را از ان خاک کود کرده است البته برای بیرون آوردن قسمتهای بنا زحمات زیادبیرا باید متحمل شویم ما بدوا حواس خودرا متوجه درب اصلی بنا نموده يك محلی را مسطح کردیم و تکه سنگهای بزرگ را در ان جمع کردیم برای آنکه با فرصت تمام رسیدگی بان بنمائیم فضای جلوی درب را هم کاوش کردیم و چند تکه سنگ گرافیت را که قبلا پی بوجود انها برده بودند با دو مجسمه از رامسس دوم یکی در سنگ دج که در روی آن تصویرقشنگی از فرعون و دیگری از گرافیت (سنگ سماق) سیاه یافتیم خارج از این قسمت اشکال در شروع به کار بود از هر طرف قسمتهائی از سنگها تکه تکه دیده میشود ولی اثری از ساختمان نیست تپه‌های مختلف الا ارتفاع که یکی از انها ۳۵ متر ارتفاع دارد در این قسمت دیده میشود کاوشهائیکه در این ناحیه بعمل آمده ثابت نموده که در مرکز تپه دیوارهای بزرگ که از آجر خام ساخته اند وجود دارد و این دیوارها دور شهر کشیده شده و بر بناهای بزرگ احاطه دارد و در قرون وسطی - قبطیها - (قومی از مصریان) در درون این دیوارها سکنی گزیده‌اند و در آنجا خانه‌هایی از آجر بنا کرده دیوارهایی ساختند ولی نظر بوجود باد و باران کم کم مبدل باین تپه‌های خاک شده اند. باری در جنوب معبد بزرگ دشتی است بطول ۴۰۰ و بعرض ۲۰۰ متر که دور آن تپه‌هایی حلقه وار یافت میشود در وسط يك قطعه سنگ سماق یافت گردید که نتوانستم از جایش تکان بدهم در حقیقت این يك ستونی بود بطول ۷ متر و روی ان خطوط هیرو گلیف منقوش بود و بطور مایل در زمین فرورفته بود پهلوی

این ستون پنج ستون دیگر با پایه‌های آن یافتیم ولی اینها با شکل مختلفه
دو زمین قرار گرفته بودند بطوریکه مشکل است محل آنها را تعیین نمود
تمام این قسمت بنا حالا کاملا خراب است مع هذا مقدار زیادی اشیاء
بزرگ و کوچک پیدا شد مجسمه‌هاییکه در مجاورت ستونها یافت می شد
کاملا خورد شده بودند، و قطعات آنها را جمع آوری کردیم که مرکب
از شش مجسمه است سه صورت سکمت Sekmet است که سرش بشکل
شیر ماده و از سنک گردنیست (سماق) سیاه ساخته شده و یکمقدار
قطعات سنک که جنسشان از سنک دج بود شبیه بشکل Merenptah
است یافت گردید و این شخص جانشین رامسس دوم میباشد بعلاوه
(فتاح) رب النوع و یک عده الهه‌های دیگر و قطعاتی از سنک
دج بقرار ذیل یافتیم: یک مجسمه از رامسس دوم که پهلوی او واجیت
الهه نشسته، دو مجسمه رامسس سوم را بحال نشسته مینمایاند. مجسمه
هائی متعلق بازمنه بعد مانند مجسمه‌های عمال بزرگ دولت در عصر
بطالسه بهتر از همه مجسمه‌ها بود که حالت بچه‌گی بکنفر از کشیشهای
(شونسون) را نمایش میدهند و این شخص در عین حال حاکم تانیس
(قسمت چهاردهم از تقسیمات اداری مصر سفلی) میباشد و شرح حال
زندگانی خرد را در روی ستونی امر بحجاری کرده است بدبختانه این مجسمه
نه سردارد و نه پایه‌ولی دست و پا و بدن مجسمه و تصویر خداوند کوچکی
که کشیش در پهلوی خود داشته کاملا محفوظ مانده و از لحاظ صنعت
حجاری بغایت زیباست دو مجسمه در موقع خرابی از نظر محوشده بودند
ما آنها را در مکان قدیمشان یافتیم یکی از آنها از سنک سماق ملون بزرگ
قرمز بود و رامسس دوم را در پهلوی (سکمت) با سر شیر بحال

نشسته نمایش میدهد این مجسمه مورد احترام کامل مصریان بوده زیرا
در پای آن مجسمه مقدار زیادی اشیاء کوچک مقدس، مجسمه های کوچک
و علائم پادشاهی و الهی که از سنک و چینی لعاب دار ساخته
شده بود یافتیم. مصریها در این قسم کارهای کوچک استاد بوده اند شیر
خوابیده پادشاه کوچک نابدن (ایزیس) ها با صورت کیرندشان شوئریس
ها یا تمساحان (Bés) ها را ممکن است با بهترین این نوع اشیاء
که در زیر جعبه آئینه های لوور و قاهره بمعرض تماشای عامه
گذارده شده اند مقایسه کرد مجسمه Anta که از رامسس دوم حمایت
می کند هم يك شاهکار صنعتی و هم يك بند بزرگ تاریخی است آنتا
يك الهه است که اسبائیها بان معتقد بودند مصریها انرا برای (ست)
عروسی نمودند و انرا بمجسمه بعل کنتعانی ها تشبیه کرده یکی
میدانستند رامسس دوم در امور مذهبی پیرو و معتقد به (آنتا)
بود و او هم خود را بیکی از اسبهای خویش حتی بيك سگ خودیا
بیکی از دخترانش داده است در روی بنای تانیس او را مادر خود
مینامد در حقیقت آنتا در اغلب اوقات با قیافه و حالت شخص جنك
جوئی نمایش داده شده است تبسم میکنند و دستش را روی شانه پادشاه
قرار میدهد تاج او شبیه باله های مصری میباشد اما الهه های مصری
همیشه يك جامه بلند در بردارند در صورتیکه آنتا فقط سینه فریبنده
خود را از يك نقابی میپوشاند، یافتن این مجسمه در ابتدای کار های
ما در يك شهری که مرکز نفوذ اسبائیها در مصر بود ارزش يك
وعده را دارد.